

بسمه تعالی

جرعه ای از کلام امیر خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه

از زبان استاد ودانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر سید حمید خوئی



یکی از اصول دینداری و مهرورزی ایمان است و محور اصلی ایمان ، تقوی است. قرآن کتابی است که مخاطب خود را به تقوی پیشه گی دعوت میکند و ما اکنون که در شب ها و روزهای ماه رمضان بسر میبریم که ماه تقوی پیشه گی و تقوی گزینی و تقویت فضیلت تقوی در حیات مسلمانان است. در قرآن کریم بعد از سوره مبارکه فاتحه الکتاب به سوره بقره اولین سوره بلند قرآن میرسیم که این سوره با این آیات آغاز میشود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی

الم (۱): الف، لام، میم

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (۲): در [وحی بودن و حَقَّانیت] این کتاب [با عظمت] هیچ شکی نیست؛ سراسرش برای پرهیزکاران هدایت است.

قرآن از همین آغاز مخاطب خاص خودش را تعیین و تعریف میکند. قرار است که آموزه های این کتاب الهی متقین را هدایت کند و به سر منزل مقصود برساند .

تقوی در زبان فارسی به معنای پارسایی و پارسا پیشه گی تعریف میشود. ما غالبا وقتی مفهوم تقوی را میشنویم یک حالت تعبد یا زهد در ذهن مان خطور میکند اما واقعیتش اینست که تقوی یک زندگی خداپسندانه است که در وجه اخلاقی جاری میشود و هم در وجه عبادی محقق میشود و هم در وجه تشریعی و احکام شرعی خودنمایی میکند.

امیرالمومنین ع خطبه ای دارند که در توصیف پارسایان و متقین که مرحوم سید رضی تحت شماره خطبه ۱۹۳ فرازهای اصلی این خطبه را در کتاب شریف نهج البلاغه ذکر کرده است. بنا داریم خصوصیات متقین را در کلام امام المتقین و شهید مظلوم رمضان علی بن ابیطالب ع در خدمت شما در این سلسله مباحث گفتگو کنیم.



در بیان مفهوم تقوی بعنوان یکی از اساسی ترین واژه ها وکلید واژه های دین و یکی از مهمترین عناوین قرآنی باید این توضیح مقدماتی را عرض کنم که تقوی یک وجه نظری دارد که شاید به این وجه نظری آن پروا پیشه گی گفته میشود به این معنا که خداوند را در همه جا حاضر و ناظر بدانیم و خود را در محضر پروردگار بدانیم و حریم و حرمت خدا را حفظ کنیم، این معنای وجه نظری تقوی است اما دامنه اصلی و عینی و عملی تقوی در زندگی انسان بصورت فضائل اخلاق جاری میشود.

لذا تقوی را نباید بعنوان یک مجرد ذهنی تلقی کرد این نکته را هم اضافه کنم که تقوی یک نقطه نیست و یک خط است و متقی کسی است که در مسیر این خط حرکت میکند و پیش میرود.

قرآن نقطه اول این خط را فاتقوا لله مستطعتم معرفی کرده است یعنی هر چقدر که میتوانید و استطاعت دارید تقوی خدا پیشه کنید و نقطه غایی این خط را يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ (۱۰۲ آل عمران): آنچنانکه شایسته و بایسته مقام بی مثال و مانند حضرت پرودگار است تقوی خدا را رعایت کنید و ازین دنیا کوچ نکنید مگر آنکه مقتضیات مسلمانی را عمل کرده باشید.

قرآن در آیات متعدد و فراوانی پیام خود را بازپرساخت و زیر زمینه تقوی به مخاطبان و مومنان منتقل میکند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب ۷۰) ای مومنان تقوی خدا پیشه کنید و سخن به راست و درستی گوید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸ حشر):

تقوی خدا پیشه کنید مومنان و هر کس در اندیشه این باشد که برای فردای قیامت خود پیش پیش چه خواهد فرستاد.

امیرالمومنین ع که امام المتقین است نیز در فرمایشات خودشان به وفور مومنان و مخاطبان را به تقوی الهی توصیه و سفارش کردند و بسیاری از خطبه های ایشان با توصیه به تقوا شروع شده است و در خطبه متقین که به فرازهای آن خواهیم پرداخت ویژگی های عینی و ممخصات عملی متقین را ز کلام امام المتقین خواهیم شنید و از خداوند مدد خواهیم گرفت که ان شاءالله ما را نیز در زمره پروا پیشه گان قرار دهد.

در خطبه ۱۹۳ سیمای پروا پیشه گان و پارسایان در کلام امیرالمومنین ع ترسیم شده است، این خطبه به خطبه متقین معروف است و داستان خطبه ازینجا آغاز میشود که یکی از یاران امیرالمومنین ع بنام همام خدمت ایشان میرسند و از ایشان درخواست میکنند که یا امیرالمومنین ع، متقین را برای من توصیف بفرماید. امام به ذکر آیه ای از آیات قرآن درباره و در ستایش متقین بسنده میکند و یادآوری میکند که آنان که پارسایی و پروا پیشه گی داشته باشند، خدا آنان را دوست میدارد. اما این پاسخ کوتاه امیرالمومنین ع، همام را مجاب نمیکند و عطش او را در معرفت متقین سیراب نمیکند و لذا همچنان درخواست خود را از مولا امیرالمومنین ع تکرار میکند و عرض میکند یا امیرالمومنین چنان پارسایان را برای من توصیف و تعریف کنید که گویا آنان را میبینید.

امیرالمومنین ع وقتی زمینه پذیرش پیام و کلام را در همام میبیند زبان به سخن می گشایند و به تفصیل حال و روز متقین و مشخصات عینی و عملی آنان را بیان میکنند:

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى خَلْقَ الْخَلْقِ حِينَ خَلَقَهُمْ غَنِيًّا عَنْ طَاعَتِهِمْ آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةُ مَنْ عَصَاهُ وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةُ مَنْ أَطَاعَهُ.

این نکته را در مقدمه سخنان خود امام یادآوری میکنند که خداوند بندگان و خلائق خویش را در شرایطی آفرید که هیچ نیازی به آنان نداشت و از معصیت آنان کاملاً ایمن و مصون بود. زیرا که نه طاعت پارسایان و مومنان سودی برای خدا دارد و نه معصیت و نافرمانی آنان زیان و ضرری بر خدا خواهد کرد.

این نکته را امام یادآوری میکنند که اگر ما پارسا باشیم چیزی در جیب خدا نمیرود و اگر پارسا نباشیم خدا ضرری نمیبیند. اگر خداوند عظیم اینهمه بندگان را به پارسایی فرا خوانده است همه آن نفعی به بار می آورد که همه این نفع از آن پارسایان خواهد بود، پارسایی منبع فواید و خیرات و نیوی و اخروی برای پارسایان خواهد بود وگرنه خداوند نه از پارسایی ما سودی میبرد و نه از ناپارسایی ما ضرری میبیند.

بنا داریم ویژگی های عملی متقین و برندگان واقعی بازی زندگی در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه از زبان امیرالمومنین ع مرور کنیم.

فَقَسَمَ بَيْنَهُمْ مَعَاشَهُمْ وَوَضَعَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا مَوَاضِعَهُمْ.

خداوند روزی ها و رزق ها و معیشت های بندگان را بین آنها تقسیم کرد و هر کس را در جایگاه شایسته و بایسته خویش قرار داد.

شاید یادآوری اینکه خداوند معیشت و رزق هر بنده ای را تعیین و برایش تضمین کرده است، یادآوری این نکته است که رزق و روزی ما با خداست ما باید به فکر ادای تکلیف بندگی خودمان باشیم و رعایت پارسا و تقوی پیشه گی.

ازینجا به بعد امام خصوصیات متقین را بیان میکند:

فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ؛ در میان این آفریده ها و در جمه مردمام و ساکنان کره خاکی متقیان و پارسایان از برترین مردم هستند چراکه از بالاترین فضائل اخلاقی برخوردار هستند

مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ : اولین ویژگی متقین اینست که به راستی و درستی سخن میگویند.

اشتباه می‌کنیم اگر گمان کنیم تقوا فقط به معنای زیاد نماز خواندن، زیاد روزه گرفتن یا زیارت رفتن است بلکه تقوا یعنی متخلق به اخلاق مورد رضای خدا شدن است و برخوردار گشتن از فضائل اخلاقی است و راس آنها سخن به نیکی گفتن است. متقین سخن به نیکی میگویند و چنانکه قرآن میفرماید : **قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا**: با مردم خوب صحبت کنید با ادب و احترام صحبت کنید از لغو و یاوه دوری کنید. قرآن وقتی صفات مومنین را بیان میکند میفرماید: **وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ (۳)**: مومنان کسانی هستند که از لغو و بیهوده گی و یاوه دوری میکنند

باید تلاش کنیم هم سخن خوب بگوییم و هم خوب سخن بگوییم – هم سخن راست بگوییم و هم راست سخن بگوییم. انسان متقی را باید با این خط کش شناخت که کسی از او دروغ نشنیده باشد – کسی از او یاوه نشنیده باشد – کسی از او سخن زشت و نازیبا نشنیده باشد

وَمَلْبَسُهُمُ الْاِقْتَصَادُ: پوشش شان اقتصاد است و در همه جای زندگی شان میانه روی را رعایت میکنند

در ادبیات دینی اقتصاد یعنی میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط و بخل و اسراف است. ما پیرو دینی هستیم که یکی از اصول آن عدل و پیرو مذهبی هستیم که یکی از مبانی و شاخصه‌های اصلی آن اعتدال و میانه‌روی است. اساساً تقوا با اعتدل و پرهیز از افراط و تفریط تعریف می‌شود.

امام علی علیه السلام در مورد اعتدال میفرماید : لا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفَرِّطاً أَوْ مُفَرِّطاً = جاهل را نمیبینی مگر در حال تفریط یا افراط بنابراین انسان عاقل به دور از افراط و تفریط هستش و میانه رو است. (جهان جز خط و خال و چشم و ابرو/ که هر چیزی بجای خویش نیکوست. و اعتدال در همه چیز باید داشته باشیم)

- امام علی علیه السلام در مورد اعتدال میفرمایند: **الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ كِلَاهُمَا مَضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ** = راست روی و چپ روی هر دو گمراهی است راه درست راه میانه است

حتی در جایی از قرآن صفت نیکوی انفاق را در دوجا خداوند میفرماید افراط و تفریط نکنیم.

در سوره مبارکه فرقان وقتی خداوند خصوصیات عباد الرحمن را بیان میکند میفرماید :

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا: عباد الرحمن بنده های ناز پروده خدا هستند که وقتی انفاق میکنند نه خشک دستی میکنند و نه اسراف میکنند و راه میانه بر میگزینند
وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ: دستت را به گردنت مچسبان (کنایه از بخل و خست هست) و کاملاً هم دستت را باز نکن که پس از آن ملامت زده و حسرت زده خواهی ماند.

وَمَشْيُهُمُ الْتَوَاضُعُ: پارسایان و متقین حقیقی کسانی هستند که خط و مشی آنها در زندگی مبتنی بر تواضع و فروتنی است

بسیار مواظبت میکنند که گرفتار آفت مهلک و دین سوز کبر و خودشیفتگی نشوند. در خطبه قاصعه نهج البلاغه امیرالمومنین ع میفرمایند که ابلیس ۶ هزار سال خدا را عبادت کرده بود سال هایی که معلوم نیست از جنس سالهای زمینی است یا آسمانی که در قرآن کریم میخوانیم هر سال آسمانی ۵۰ هزار سال زمینی است اگر چنین باشد معنایش اینست که ابلیس ۳۰۰ میلیون سال خدا را پرستش کرده و آداب پرستش را بجا آورده بود اما امیرالمومنین ع میفرمایند: **عَنْ كَبْرِ سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ**: بخاطر یک لحظه کبر تمام این سابقه طولانی و کارنامه بلند بندگی و پرستش بر باد فنا رفت و ملک مقرب تبدیل به شیطان رجیم شد و خدا او را از بهشت بیرون راند. این نکته مهم را امام یادآوری میکنند که امکان ندارد خداوند با داشتن خصوصیتی انسانی را وارد بهشت کند که بخاطر همان خصوصیت ملکی را از بهشت بیرون رانده است و حکم خدا در زمین و آسمان یکی است و خداوند با هیچکس تعارف ندارد.

ورود به بهشت بر متکبر حرام است و انسان متکبر رنگ و بوی بهشت را نخواهد دید و نخواهد چشید چرا که کبر و کبریا فقط از آن خداست و خدای بزرگ شایسته بزرگی کردن است، انسان حقیر و فقیر و ناچیز و ضعیف را چه جای کبر ورزیدن است.

در کلامی زیبا امیرالمومنین ع میفرماید: عجب متکبر: در شگفتم از نابخردی انسان متکبر که به چه چیزی مینازد این انسان ابتدا یک نطفه نجس و در آخر هم یک مردار متعفن و گندیده و در میانه هم گرفتار بلا، پس به چه چیزی کبر میورزد.

متقین در تعامل شان با دیگران و پرودگار متواضع و فروتن هستند که در دعای کمیل می خوانیم «أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ»

بنده باید در جایگاه بندگی بنشیند و از خدا انتظار خدایی کردن داشته باشد.

عَصُوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ: چشمنشان را فرو بستند از آنچه که خداوند بر آنان حرام کرده است

این تقوی را اصطلاحاً به آن تقوای چشم یا تقوای نگاه نامیده اند. یکی از خصوصیات تقوا پیشه گان اینست که نگاه بر حرام نمی افکنند و تقوی الهی را انجام میدهند که **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (۳۰ نور):** پیغمبر به مردان مؤمن بگو که ناه از حرام بگیرند و دامن خویش را پاک دارند و به زنان مومن هم بگو نگاه از حرام بگیرند و دامن خویش را پاک نگه دارند.

این ویژگی پارسیان یکی از عوامل مهم صیانت از سلامت اجتماعی است و حفظ حریم افراد در جامعه دینی است چراکه بسیاری از انحرافات و فسادهای اخلاقی از نگاه های حرام و ناپاک آغاز و از همینجا کلید میخورد. این را باید بعنوان یکی از وجوه بارز عینی و عملی تقوی پیشه گی در زندگی دانست. ورود بسیاری از معاصی از همین چشم و گوش صورت میگیرد.

وَوَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ: گوش هایشان را میسپارند و وقف میکنند برای دانش و علم و آگاهی سودمند برای آنان

محافظت از حس بینایی برای افت زدگی و محافظت از حس شنوایی برای افت زدگی و وقف کردن آن برای شنیدن علم نافع است. چون یکی از ورودی هایی که شعور و آگاهی انسان را بشدت افزایش میدهد گوش است و بسیاری از یافته های علمی را از طریق گوش دریافت میکنیم و با همین یافته هاست که زیاد میشویم و بزرگ میشویم و به کمال میرسیم لذا چشم را باید بر حرام بست و گوش را باید بر علم مفید باز کرد تا ساختار فکری و ذهنی و عقلی انسان در حالت سلامت و تعادل باقی بماند.